

خسر و معتضد



اینکه معاون گردشگری دولت، این کار را زائد دانسته است!
پیشینه کم و زیاد شدن وزار تخانه‌ها در ادوار پیشین

در زمان سلطنت فتحعلی شاه، دولت ایران بنا به ضرورت، به چهار وزار تخانه تقسیم شد زیرا یک جناب وزیر اعظم از عهده تمام امور کشوری و لشکری برنمی‌آمد و کارها معطل مانده بود. ناصرالدین شاه تعداد آنها را به هشت وزار تخانه افزایش داد. حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله ۹ وزار تخانه تأسیس کرد و اساسنامه‌ای برای آنها و محل وزار تخانه‌ها که قبلاً بیرون خانه وزیران یا عمارتی در کاخ گلستان بود نوشت و حتی دستور داد وزیران ناهار مهمان دولت باشند که کارها را به پایان برسانند و از زیر کار در نروند.

مظفرالدین شاه که با رجال و درباری‌ها ملاحظه داشت تعداد وزار تخانه‌های مسخره و پوشالی را تا ۳۷ وزار تخانه بالا بردچندی بعد مشروطه از تعداد آنها کاست و مجموع آنها را در شش وزار تخانه خلاصه کرد. از سال ۱۳۰۰ ه. ش تأسیس ووزارتخانه تابع اصولی شد و دکتر میلیسیو امریکایی طرحی ارائه کرد که هم از نظر تشکیلات، هم میزان حقوق و هم نحوه ترفیع کارمندان اهمیت داشت و در مجموع می‌توان گفت که تأسیس وزار تخانه اصول و قواعدی پیدا کرد.

تعداد وزار تخانه‌ها در دوران رضاخان

در دوران ۲۰ساله تعداد وزار تخانه‌ها هشت تا ۱۰ وزار تخانه بیشتر نبود و اداره کل صناعت و اداره کل فلاحت (کشاورزی) و اداره کل صحبه (بهداری) و وزار تخانه نبودند. مدت‌ها مملکت وزرات فواید عامه داشت که بعدها سه اداره کل و نیز وزرات طرق (راه) از آن جدا شدند. پس از شهریور ۱۳۲۰ وزرات بهداری تأسیس شد. در سال ۱۳۲۵ برای مبارزه با توده‌های ها و فرقه دموکرات وزرات کار و تبلیغات تأسیس شد و بیمه‌های کارگری تصویب واجرا شد. حسنعلی منصور وزار تخانه اطلاعات (تبلیغات) و فرهنگ و هنر و علوم و آموزش عالی را بر ساختار دولت اضافه کرد. هویدا برای پست دادن نورچشمی‌ها وزرات کشاورزی را تقسیم به وزار تخانه‌های کشاورزی، جنگل‌ها، منابع، اصلاحات ارضی، تولیدات کشاورزی و مواد غذایی کرد که مزخرف و بی‌فایده بود و چندی بعد هم با هم ادغام شدند.

مرحوم ترقی روزنامه‌نگار برایم تعریف می‌کرد: زن بسیار صاحب جمال و دارای هیکل موزونی مورد علاقه

رضارمضان ترکسی

اگر زنان در یک جامعه نادیده گرفته شوند نه تنها نیمی از اعضای آن جامعه نادیده گرفته شده بلکه می‌توان گفت

که آینده آن جامعه مورد فراموشی و غفلت واقع شده است، لذا لازم است که جامعه‌شناسان و مصلحین اجتماعی و افراد دلسوز، اگر طالب سعادت جامعه خود هستند، به سلامت زنان خصوصاً نسل آینده دختران بیندیشند و بدانند که با تربیت در پست آنان کل جامعه را می‌توان تربیت کرد و با افساد آنان کل جامعه به ناپنجاری و انحطاط و آشفتنگی دچار خواهد شد.

■ ■ ■

مطلبی که ذکر شد همواره مد نظر متفکران دیگر کشورهای جهان قرار داشته‌است واز نوشته‌های اشخاصی چون قاسم‌امین مصری که از منادان رفح حجاب و آزادی زنان به سبک و شیوه غربی بود و ترجمه‌هایی که از آثار وی در ایران منتشر شد چنین برمی‌آید که همه تحولات در درجه اول منوط به تحصیل و تعلیم زنان بود.^(۱)بیگانگان خصوصاً آشورهای استعمارگر که همواره چشم طمع به منابع مالی و انسانی کشورهای دیگر دوخته‌اند، به خوبی می‌دانند که تا زمینه پذیرش از جانب ملتی برایشان فراهم نباشد حکومت کردن بر آن مردم تقریباً غیر ممکن است، لذا می‌بینیم که استعمار انگلیس، با فراهم کردن زمینه‌های لازم، توانست حدود ۲۰۰سال در کشوری مثل هند حکومت کند.

در ایران نیز استعمارگران از این نکته غافل نبودند و برای اینکه بتوانند زمینه سلطه خود را فراهم کنند می‌بایست فرهنگ و عقاید مردم را دگرگون سازند. در این کار از وسایل متعددی استفاده کردند که از آن جمله می‌توان از اعزام مبلغ‌ها و مبلغه‌های مسیحی به کشورهای مسلمان، تأسیس مدارس خیریه از قبیل درمانگاه و یتیم‌خانه، تأسیس مدارس ابتدایی و تربیت نسلی که بتواند در آینده روی آن سرمایه‌گذاری کرد و… نام برد، یکی از کارهایی که برای آنها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود سرمایه‌گذاری جهت تربیت دختران و زنان ایرانی به آداب و رسوم اروپایی بود چراکه می‌دانستند اگر یک دختر ا بتوان با فرهنگ و آداب غرب تربیت



حاشیه‌ای تاریخی بر تأسیس وزار تخانه‌های جدید به نام «گردشگری»

حرکت به سوی الگوی مظفرالدین شاه قاجار!

یکی از وزیران سال‌های دهه شهریور قرار گرفت و خواست او را استخدام کند، محل شغل وجود نداشت. برای استخدام او طرحی به هیئت دولت برد و مصوبه گرفت که آن خانم به عنوان منشیی ویژه او استخدام

شود در هر حال چون آن خانم نیاز به شغل داشت و وزیر هم می‌خواست خانم مزبور کتار دستش باشد، در وزار تخانه پست ایجاد شد. هویدا برای خود ۶ معاون در نظر گرفت. زمان رضاشاه رئیس تشریفات سلطنتی

تاریخ

کفتدگو۹۸۸۴۹۸۴۹۹

مظفرالدین شاه قاجار

د

مظفرالدین شاه که با رجال و درباری‌ها ملاحظه داشت تعداد وزار تخانه‌های مسخره و پوشالی را تا ۳۷ وزار تخانه بالا بردچندی بعد مشروطه از تعداد آنها کاست و مجموع آنها را در شش وزار تخانه خلاصه کرد. از سال ۱۳۰۰ ه. ش تأسیس و وزار تخانه تابع اصولی شد و دکتر میلیسیو امریکایی طرحی ارائه کرد که هم از نظر تشکیلات، هم میزان حقوق و هم نحوه ترفیع کارمندان اهمیت داشت و در مجموع می‌توان گفت که تأسیس وزار تخانه اصول و قواعدی پیدا کرد

دهه‌اخیر
جالب اینجاست که از دیساد و کاستن بی‌ملاک وزار تخانه‌ها در سالیان اخیر نیز، بازار داغی پیدا کرده است. چند سال پیش دو وزار ت حساس صنایع و معادن با وزار ت بازرگانی روی لچ و لچبازی ادغام شد. امروز مهار آن به دست وزیر ببری افتاده که از هر دو ساعت جلسات مهم، یک ساعتش در خواب گران است. وزار ت راه و ترابری شامل سازمان‌های بزرگ و پرمشغله راه، حمل و نقل، راه‌آهن سراسری، بنسادر و دریانوردی، هواشناسی، هواپیمایی و فرودگاهی بود. ام‌ند ان را در وزار ت مسکن و شهرداری ادغام کردند. امروز وزیر میلیاردر و کم‌حوصله آن، وقت حرف زدن ندارد و میکروفن را از دست خیرنگار زن رسانه‌ها می‌گیرد و پرت می‌کند!

معمای تشکیل وزار ت گردشگری

اکنون می‌خواهند وزار ت گردشگری تأسیس کنند آخر برای چه؟ در بسیاری از مراکز توریستی کشور، یک آپریزگاه درست و حسابی برای گردشگران نیست. سازمان کنونی به قدری بی‌دست و پاست که یکی از بنیادها قصد کرده کاخ نیاوران و کاخ سعدآباد را- که هر دو از اموال ملت ایران است و فروزان شهردار وقت تهران در روزهای پس از شهریور ۱۳۲۰ رسماً درجاید و مجلس شورای دوره سیزدهم ملی اعلام کرد هزینه ساختمان کاخ‌های مرمر و نیاوران و سعدآباد و مرمت نیاوران از محل بودجه شهرداری تهران ساخته شده و تعلق به دولت داردیعنی از اموال ملت ایران است) و ۲۵ میلیون خرج آنها هم از عوارض شهری مردم تهران تأمین شده- به بهانه اینکه اموال شخصی شاه بوده است، از دست میراث فرهنگی در بیابورد و این سازمان جرئت نفس کشیدن ندارد و مخالفتی نشان نمی‌دهد!

من می‌ترسم امثال این نهادها- که ماشاءالله خراس و طمعشان تمامی ندارد- کاخ‌های نیاوران (متعلق به عهد قاجار و ساخته شده از بودجه دولت را که بودجه ساخت کاخ جدید نیز از بودجه دولت هویدا پرداخته شد) و کاخ مرمر و کاخ سعدآباد که هر دو در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۰ ه.ش از بودجه شهرداری تهران ساخته شد و شهردار وقت آقای فروزان به طور رسمی و در مقابل پرسش نمایندگان مجلس اعلام کرد را هم به دستاویز اینکه اموال شاهان بوده‌اند، از چنگ میراث ملی درآورد و این سازمان ضعیف و بیکاره به علت فقر اطلاعات تاریخی تمکین کند. من نمی‌دانم بنیاد چه اصراری دارد روی این دو کاخ دست بگذارد، اگر زورش می‌رسد چرا کاخ مرمر را- که آن هم از اموال دولت است- باز پس نمی‌گیرد؟

آیا آقا‌زاده‌ها نیاز به شغل جدید پیدا کرده‌اند؟
در هر صورت گویا تعدادی آقا‌زاده یا نورچشمی‌ها از خارج بازگشته و نیاز به شغل‌های نان و آبدار پیدا کرده‌اند برای این همین قرار شده وزار تخانه جدیدی به نام «گردشگری» تأسیس شود و حدود هشت معاون وزیر و ۳۰ کاندید کل در استان‌ها و تعدادی مدیر کل و مدیرعامل در مرکز از خزانه تار عنکبوت بسته دولت حقوق دریافت کنند و باز هم دولت علیه ناجر شود

د

تاریخچه‌ای از یکی از مراسم کشف حجاب در تهران

هدف اصلی تأسیس این مدارس جدید جذب دختران مسلمان به فرهنگ اروپایی بود و برای این کار از هیچ چیزی فروگذاری نمی‌کردند. هر چند در ابتدا مجبور بودند پید پزند که تنها دختران غیر مسلمان در این مدارس فرزونی تحصیل کنند اما از وقتی که اجازه شاه گرفته شد تلاش برای تشویق مسلمانان به فرستادن دخترانشان به این مدارس فزونی یافت به طوری که حتی بعضی از این معلمین مسیحی-اروپایی برای اینکه اعتماد مسلمانان را جلب کنند با چادر و نقاب در سر کلاس حاضر می‌شدند

را جلب کنند با چادر و نقاب در سر کلاس حاضر می‌شدند.^(۱) شاهد بر این مدعا آن است که در عصری که درس خواندن در مکتب‌خانه‌ها و مراکز آموزشی مستلزم پرداخت هزینه بود اکثر این مدارس خارجی معمولاً به صورت مجانی به دختران آموزش می‌دادند چنانچه در مدرسه‌ای که ریاست آن را همسر مطاوس خان ملکپانس ارمنی به عهده داشت یکصد دختر به صورت رایگان درس می‌خواندند و با توجه به اینکه کشورهای استعمارگر هیچ‌جا بیپرده خرج نمی‌کردند، روشن بود که هدف دیگری به جز پاسوداش شدن دختران ایرانی مد نظر گردانندگان اصلی آن بوده است، چنانچه در سال‌های بعد، خصوصاً در برنامه کشف حجاب رضاشاه، همین تحصیلکردگان مدارس امریکایی بودند که گام نخست را برداشتند؛ به عنوان نمونه، فارغ‌التحصیلان مدرسه امریکایی، مجله عالم نسون به سرپرستی میسر پویس را تأسیس کردند.

این مجله تجددطلبی و غرب‌دوستی را ترویج می‌کرد و یکی از نویسندگان مشهور آن هما محمودی است^(۱) یا می‌توان از شمس الملوک که بازرس و مأمور کشفحجاب در مدارس دولتی کشور بود، نام برد.^(۲) آنها برای اینکه بتوانند به نتایج زدهنگام‌تری برسند مدرسه اکابر نیز نظر میس دولیتل را گشودند.^(۳)

شاهد دیگر اینکه، بسیاری از این مدارس اختصاصاً به آموزش زبان انگلیسی یا فرانسوی اشتغال داشتند که به عنوان نمونه می‌توان از مدرسه امریکایی بیت‌تیل، مدرسه دخترانه خواهران سنت‌زیتا(شیل) و مدرسه خواهران نیکوکار ژندارک نام برد^(۴) و چون بین فرهنگ و زبان از تباط تنگاتنگی وجود دارد فراگیری زبان بدون تأثیرپذیری فرهنگی چیزی تقریباً نزدیک به محال می‌باشد، لذا در اکثر این مدارس فراگیری زبان اروپایی در رأس برنامه‌های درسی آنها قرار داشت.

خاتم جین دولیتل در سال ۱۳۱۲ق در تهران مدرسه امریکایی تأسیس کرد که با عنوان دبیرستان نوربخش فعالیت می‌کرد. در سال ۱۳۴۰ق(۱۳۰۱ش مدرسه دخترانه خواهران ارمنی به نام مریم تأسیس شد.^(۵) همان‌طور که قبلاً ذکر شد، هدف اصلی تأسیس این مدارس جذب دختران مسلمان به فرهنگ اروپایی بسود و برای ارسن کار از هیچ چیزی فروگذاری نمی‌کردند. هر چند در ابتدا مجبور بودند بپذیرند که تنها دختران غیر مسلمان در این مدارس تحصیل کنند اما از وقتی که اجازه شاه گرفته شد تلاش برای تشویق مسلمانان به فرستادن دخترانشان به این مدارس فزونی یافت به طوری که حتی بعضی از این معلمین مسیحی-اروپایی برای اینکه اعتماد مسلمانان

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۵۱۰۵

چشم به سفره مردم بدوزد از محل مالیات بر ارزش افزوده حقوق این عزیزان را بپسردازد و البته تا ته مزایا و حق سفر آنان را هم تأمین کند. جالب اینجاست که خود سازمان میراث فرهنگی نیز تمایلی به وزار تخانه شدن نشان نمی‌دهد. من در سفرهایی که در گذشته به کشورهای مختلف جهان داشته‌ام، هر جا رفته‌ام صنعت گردشگری را صنعتی پویا و خلاق یافته‌ام و معمولاً افرادی بسیار مطلع، خوش ذوق، پویا و دلسوز در رأس امورند و می‌بینید که کشورهای کوچکی چون ارمنستان و گرجستان چقدر در کشور ما تبلیغ می‌کنند و حتی رادیو تغلیس مجله‌ای به زبان فارسی نشر می‌دهد و انواع رستوران‌های ایرانی در آن کشور دایر شده‌اند.

بی‌اعتنایی به رخداد بازرسی بدنی زنان ایرانی در گرجستان

سازمان میراث فرهنگی و گردشگری ما هر چند روز، متصدی گزاره‌ای پیدا می‌کند که حتی قدرت دفاع از اموال خود را ندارد و دور نیست چندی بعد کاخ‌های دولتی ساخته مرمر و نیاوران و سعدآباد را هم دو دستی به بنیاد تقدیم کنند و جالب اینجاست که در خصوص بازدید بدنی خانم‌های ایرانی در تغلیس تذکری به گرجستان نمی‌دهند که پلیس‌های زن در اتاقی جداگانه این کار را بکنند. شخصی که از تغلیس آمده بود در این باره تعداد زیادی مجله و نشریه و بوستر برآیم آورده بود. من به گرچی‌ها که در طول چند هزار سال همسایه و دوست ما بوده و حتی تعدادی از شاهزاده خانم‌های گرچی در زمان صفویه ملکه ایران بوده و در قرن نوزدهم هم چند شاهزاده گرچی برای رهاوند کشورشان از چنگ روس‌ها دوش به دوش ایرانی‌ها چنگیده‌اند و کتاب‌های فارسی دستنویس قدیم را در دانشگاه‌هایشان چاپ می‌کنند، علاقه زیادی دارم و آنان را از خودمان می‌دانم. با این همه گویا پلیس‌ها در ملاحظه بعضی از خانم‌های مسافر عید امسال را بازرسی کرده‌اند و گفته‌اند چادر و مانتو و روسری را از تن دور کنند. بازرسی زنان مسافر در فرودگاه‌های ایران هم به وسیله پلیس زن انجام می‌شود و خانم‌ها ناراحت نمی‌شوند زیرا محل بازرسی زنانه است. آیا کسی در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نبوده این موضوع را به گرچی‌ها تذکر بدهد؟ برای اینکه اغلب این کاره نیستند، دولتی عوض می‌شود و دولتی بر سر کار می‌آید. عده‌ای را در رأس مهم‌ترین سازمان کشور از نظر روابط با خارجیان می‌گذارند که اطلاعاتی در اینگونه زمینه‌ها ندارند. در ترکیه، آلمان، انگلستان، فیلیپین، مازری، تایلند، من هر جا می‌رفتم نشقه‌ای در دستم بود. حتی در داخل کاخ‌ها نشقه می‌فروختند که تماشاگر بداند به کجا آمده است. متأسفانه در کشور ما سازمان گردشگری به خواب رفته و مغفول است. این سازمان حتی بلد نیست اموالش را بشناسد و بداند کاخ مرمر، کاخ نیاوران و کاخ سعدآباد از محل بودجه دولت ساخته شده و ارث خانوادگی شاه نبوده است.

مرز و بوم انجام گیرد. در این تحقیق سعی شده تا ابتدا عملکرد یک زن سنتی مذهبی ولی فعال سیاسی که سهم مهمی در سیاست و امور اجتماعی این مرز و بوم داشت، در تعامل او با تمدن جدید و رویدادهای حاصل از آن به تصویر کشیده شود و سپس عملکرد چند تن از زن‌هایی که تربیت یافته مدارس غربی هستند نیز مورد بررسی قرار گیرد و در انتها، در بخش خلاصه نتیجه‌گیری، بین این دو یک مقایسه اجمالی انجام شود.

مسئله اساسی در تحقیقی که این دستور برای معرفی آن نگاشته شده، این است که عملکرد زنان در تاریخ سیاسی ایران معاصر چگونه بوده و اینسان در برخورد با تمدن غرب از یک سو و تمدن خودی از سوی دیگر چه کنش و واکنشی از خود برزود دادند.

به عبارت دیگر، در این تحقیق سعی شده تا بر زندگی و اندیشه بعضی از زنان تحصیلکرده و فعالان سیاسی در یک صد ساله اخیر، در مواجهه با غرب و فرهنگ ایران، پرتوی افکنده شود و بعضی از مطالبی که تا به امروز بدون توجه به صحت و سقم آنها مورد پذیرش همگان بوده مطالعه دقیق‌تری انجام گیرد.

بی‌نوشت‌ها:

- قاسم‌امین، زن امروز. ترجمه مهذب، تهران، چاپخانه مرکزی وزارت فرهنگ، بی‌تا، ص ۱۱۴.
- اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی، به کوشش: سهیلا تری‌فارسانی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، پوهوشکده اسناد، ۱۳۷۸. ص
- اخاطرات مؤسس الدوله، به کوشش: سیروس سعدوندیان، زرین، ۱۳۸۰. ص ۱۵۹.
- مجله یادگار، سال ۳، شماره ۶، ص ۶۸.
- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، زوار، ۱۳۴۷. ص ۲.
- عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر. سازمان تربیت معلم، ۱۳۴۲. ص ۲۵۶.
- همان.
- اسنادی از مدارس دختران، همان، ص ۱۱.
- همان، ص ۱۲.
- بدرالملوک بامداد می‌نویسد که همسر مطاوس خان ملکپانس ارمنی با چادر و نقاب (ص ۱۶).
- بامداد، همان، ج ۱، صص ۲۸ و ۷۱.
- همان، ص ۴۳.
- همان، ص ۷۱.
- همان، ص ۷۰ و اسنادی از مدارس دختران، ص ۱۱.